

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله على اعدائهم اجمعين

یادآوری: در موردی که به نماز شب نذر تعلق گرفته به جهت اتحاد در متعلق اکتساب عبادیت وجود دارد اما در موردی که کسی بر نماز واجب و یا مستحب اجیر شده باشد به جهت عدم اتحاد در متعلق، اکتساب عبادیتی وجود ندارد

کلام محقق نائینی(ره) را ملاحظه فرمودید ایشان فرمودند که:

بین موردی که به نماز شب نذر تعلق پیدا می کند و موردی که کسی را برای یک نماز واجب یا نماز مستحب اجیر می کنند فرق وجود دارد به این بیان که:

– در مورد نذر اتحاد در متعلق وجود دارد و این اتحاد در متعلق سبب می شود که امر به وفاء به نذر، عبادیتش را از صلات لیل بگیرد و صلات لیل وجوبش را از امر به وفای به نذر بگیرد و در جایی که متعلق این دو امر اتحاد دارند هر کدام، آن خصوصیتی را که فاقد آن هستند از دیگری اکتساب می کنند یعنی امر به وفای نذر به خودی خود توصیلی است اما وقتی متعلق به صلات لیل می شود از امر به صلات لیل، عبادیت را اکتساب می کند و امر به صلات لیل استحبابی است و ما امر به وفای نذر از او وجوب را اکتساب می کند

– اما در باب اجاره، متعلق امر به اجاره یعنی وفای به اجاره با آن امری که به نحو وجوبی یا استحبابی هست فرق دارد به این بیان که:

– در امری که به نحو وجوبی است به ذات صلات تعلق پیدا کرده

– اما امر به وفا به اجاره به صلات واجب و «صلاة بقید الوجوب» یا «صلاة بقید الاستحباب» تعلق پیدا کرده

و متعلق یکی «ذات الصلاة» است و متعلق دیگری «صلاة بقید الوجوب» است و با این بیان مرحوم نائینی فرمود در باب اجاره متعلق ها واحد نیستند لذا اکتسابی در کار نیست.

یادآوری 2: چون اوامر احتیاط عبادی نیستند لذا با اوامر احتیاط نمی توانیم احتیاط را در فعلی که احتمال عبادی بودن او را می دهیم تصحیح نماییم؛ زیرا متعلق ها یکی نیست

محقق نائینی در ادامه فرمود: اوامر احتیاط آن هم مثل این اوامر اجاره است یعنی امر احتیاطی داریم حالا چون بحث ما بحث شبهه وجوبیه است و در شبهه وجوبیه می گوئیم پنجاه درصد و چهل درصد می گوئیم این فعل واجب باشد یعنی چهل درصد احتمال می دهیم که به این فعل یک امری در واقع تعلق پیدا کرده باشد

اگر این امر واقعی باشد به ذات عمل تعلق پیدا کرده و امر به احتیاط به عمل محتمل الوجوب تعلق پیدا کرده و امر احتیاطی به ذات عمل تعلق پیدا نکرده بلکه به عمل بقید اینکه این عمل محتمل الوجوب است تعلق پیدا کرده؛ لذا متعلقها یکی نیست و امر احتیاطی نمی تواند از آن امر واقعی عبادیت را اکتساب بکند

مرحوم نائینی در نتیجه نظرشان این شد که:

اوامر احتیاط بنفسه عبادی نیست و نمی تواند عبادیت را از آن امر دیگر اکتساب بکند لذا اوامر احتیاط عبادی نیست و وقتی عبادی نشد ما نمی توانیم احتیاط را با اوامر احتیاط در فعلی که احتمال عبادی بودن او را می دهیم تصحیح کنیم؛ یعنی اینکه بقول ایشان بعضی الاساطین گفته اند که در شبهه وجوبیه احتیاط ممکن است به جهت آن اوامر احتیاطی که وارد شده و در شبهه وجوبیه مکلف قصد کند امر احتیاطی را و با همین قصد امر احتیاطی عبادی بودن عمل تصحیح می شود و احتیاط ممکن می شود؛ می فرمایند این امکان ندارد و قابل تصحیح نیست؛ این خلاصه ای بود از فرمایش مرحوم نائینی

بررسی دو مطلب مهم از منظر محقق عراقی(ره)

عرض کردیم مرحوم محقق عراقی در حاشیه فوائد الاصول در ج 3 دو مطلب مهم دارد که دو قسمت دارند یکی در ص 401 دارند و یکی هم در ص 406 بیان فرمودند:

مطلب اول محقق عراقی(ره): 1: مسلما در متعلق نذر، رجحان معتبر است 2. در متعلق نذر، رجحان باید ملحوظ باشد

مطلب اول: در ص 401 در حاشیه ابتدا دو نکته را بیان می کنند

– نکته اول: این است که می فرمایند این مسلم است که در متعلق نذر رجحان معتبر است، یعنی آن فعلی که متعلق نذر واقع می شود باید راجح باشد این یک.

– نکته دوم: وقتی که نذر تعلق پیدا می کند به این فعل همین رجحان ملحوظ هم باید باشد یعنی علاوه بر اینکه این فعل فی نفسه رجحان دارد باید این رجحان در هنگام نذر وقتی متعلق نذر واقع می شود ملحوظ باشد

نتیجه مطلب اول محقق عراقی به محقق نائینی؛ 1. در صورت عدم لحاظ قید استحباب در صلات لیل بین امری که به صلات لیل تعلق پیدا کرده و امر به وفای نذر که به صلات لیل استحبابی تعلق پیدا کرده از نظر متعلق فرق وجود دارد و اتحاد متعلق در کار نیست؛ 2. یا توجه به اینکه یکی می گوید استحباب و دیگری وجوب پس باید برای جلوگیری از اجتماع ضدین باید قائل به اختلاف رتبه شویم

و در نتیجه محقق عراقی به نائینی می فرمایند:

اینکه شما در باب نذر می گوئید امر به وفای به نذر به «ذات صلاة لیل» تعلق پیدا کرده نه به «صلاة لیل بقید الاستحباب» این حرف درستی نیست؛

– اگر ما صلات لیل را بقید الاستحباب لحاظ نکنیم اصلا این نذر باطل است و اصلا این نذر محقق نمی شود و باید بگوییم صلات لیلی که مستحب است متعلق برای نذر است آن وقت بعد می فرمایند اگر این طور شد بین آن امری که به صلات لیل تعلق پیدا کرده و این امر به وفای نذر که به صلات لیل استحبابی تعلق پیدا کرده از نظر متعلق فرق وجود دارد و اتحاد متعلق در کار نیست؛

– بعد در دنباله می فرمایند حالا که این متعلق ها اتحاد ندارند برای اینکه اجتماع ضدین در اینجا پیش نیاید؛ زیرا یکی می گوید استحباب و یکی می گوید وجوب حال برای اینکه اجتماع ضدین در اینجا بوجود نیاید ما باید رتبه اینها را بگوییم بینشان اختلاف وجود دارد؛ به این بیان که می فرمایند «فلا قصور فی ابقاء الذات الملحوظ متعلقا للنذر و موضوعا له علی استحبابه» آن ذاتی که متعلق برای نذر قرار دارد آن را بگوییم باقی بر استحباب است؛ اما آن ذاتی که در مرحله وفای به نذر هست بگوییم یک رتبه متاخر است و او متصف به وجوب است و بگوییم اختلاف رتبه مساله استحباب و وجوب را حل می کند و بگوییم این نماز شب مستحب چگونه واجب شد؛ بگوییم اختلاف رتبه وجود دارد؛ در آنجایی که رتبه سابقه یعنی قبل از امر به وفای نذر صلات لیل بر استحباب خودش باقی است و بعد از امر به وفای نذر در این رتبه لاحق همین صلات لیل اتصاف به وجوب پیدا می کند؛ یک تشبیهی هم در اینجا می کنند و می فرمایند:

همانطور که شما یک فعلی را قبل از اینکه اعتقاد به عصیان او داشته باشید و قبل از اینکه بدانید و معتقد باشید که حرام است این بر حکم خودش باقی است اما اگر «معتقدا بالعصیان» آمدید همین فعل را انجام دادید این عنوان تجری را پیدا می کند و مبعوض می شود و حرام است.

نتیجه گیری محقق عراقی در مطلب اول: اکتسابی که محقق نائینی مطرح کردند چون میان دو امر طولی است و بینشان اختلاف در رتبه وجود دارد، معقول نیست یعنی امر به وفای به نذر در طول امر به صلات لیل است زیرا اکتساب در جایی است که دو امر در عرض هم باشند و فرع بر اتحاد و تاکد است

خلاصه نتیجه ایی که مرحوم عراقی می گیرند این است که می فرمایند:

این اکتسابی که شما مرحوم نائینی درست کردید، درست نیست زیرا اکتساب فرع بر اتحاد و تاکد است یعنی

– اگر متعلق ها یکی بود و یکی موکد دیگری بود اینجا اکتساب معنا دارد و بگوییم امر به وفای نذر عبادیت خودش را از آن امر استحبابی که به صلات لیل تعلق پیدا کرده، بدست می آورد

– اما اگر ما گفتیم متعلق واحد نیستند و تاکدی در کار نیست اینجا دیگر مساله اکتساب معقول نیست و معنا ندارد

و باز به عبارت دیگر از کلام مرحوم عراقی این استفاده می شود که مرحوم عراقی به مرحوم نائینی می خواهند بفرمایند که:

شما با فرض اختلاف رتبه و با فرض اینکه یک امری در طول امر دیگر است آمدید مساله اکتساب را مطرح کردید و اکتساب میان دو امر طولی معقول نیست و معنا ندارد و امر به وفای نذر در طول امر به صلات لیل است و امر به اجاره در طول امر به صلات است و هر دو اختلاف رتبه دارند با آن امر اولی و با اختلاف رتبه اکتساب معنا ندارد و اکتساب در جایی است که دو امر از حیث متعلق یکی باشد و در عرض یکدیگر باشد

و خلاصه اینکه مرحوم عراقی می فرماید:

به نظر ما-البته دیگر این را ما داریم به آن تصریح می کنیم اما مستفاد از کلام عراقی همین است که- اکتساب در جایی است که دو امر در عرض یکدیگر باشد یعنی این از او اکتساب کند و او هم از این اکتساب کند؛ اما اگر دو امر در طول یکدیگر بودند و اختلاف رتبه بود بین اینها؛ در اینجا معقول نیست که احدهما از دیگری چیزی را اکتساب بکند، این خلاصه اشکال ایشان است.

بیان نکته‌ای در کلام محقق عراقی و نائینی

اینجا نکته ایی که بر روی کلام مرحوم نائینی و هم روی کلام مرحوم عراقی وجود دارد این است که:

نماز شب وقتی متعلق برای نذر واقع شد الان دیگر به نیت وجوب باید آورده بشود و مشهور هم همین مطلب را دارند؛ می فرماید که در حین نذر این فی نفسه باید رجحان داشته باشد وقتی هم نظر به آن تعلق پیدا می کند باز به همان قید استحبابی تعلق پیدا می کند منتها یعنی متعلق نذر نماز شب مستحب است اما بعد که امر به وفای به نذر می آید باید به نحو الوجوب بیاورد.

دو اشکال وارده بر نظر محقق عراقی و محقق نائینی

اینجا نکته ای که ما می خواهیم عرض کنیم هم به مرحوم نائینی و هم به مرحوم عراقی می خواهیم بگوییم که:

اشکال اول: اکتساب طولیا و عرضیا معقول نیست شاهد این مدعا باب اجتماع امر و نهی است و اینکه الامر لایتجاوز عن متعلقه

همان طوری که اگر دو تا امر در طول یکدیگر باشد اکتساب محال است و معقول نیست اگر در عرض یکدیگر هم باشند هم همین طور است و اساساً اگر دو تا امر یک متعلق دارند و در عرض یکدیگر هم هستند اینجا معنا ندارد بگوییم این امر خصوصیاتش به آن امر سرایت می کند و آن امر هم خصوصیاتش به این امر سرایت می کند

شاهد بر این دعوی ما بحث اجتماع امر و نهی است؛ شما در اجتماع امر و نهی می گوئید امر و نهی به یک شیء واحد تعلق پیدا کرده و متعلقشان یک شیء واحد است. اما هیچ کس نمی گوید که امر از نهی اکتساب می کند یا نهی از امر اکتساب می کند به عبارت آخری:

ما مکرر شنیده ایم از همین بزرگان اصول که «الامر لایتجاوز عن متعلقه» امر هر چه کار دارد به متعلقش کار دارد. دیگر این امر بیاید سرایت کند به یک امر دیگر و بخواهد آن امر را عبادی کند و آن امر هم سرایت کند به این امر و بخواهد این امر را واجب کند این اصلاً معقول نیست. «الامر لا يتجاوز عن متعلقه» و «لا يتجاوز عن متعلقه» یکی از آثارش این است که «لایسری الی الامر الآخر» و «لا یوجب الانقلاب فی الامر الآخر». امر دیگر را نه وجوبی می کند و نه استحبابی و نه عبادی می کند و نه غیر عبادی بلکه امر خودش هست و خودش و شاهد مهم ما همین بحث اجتماع امر و نهی است. این مطلبی است که حالا به عنوان اشکال اولی که بر این دو بزرگوار است.

اشکال دوم: اگر نماز شب متعلق برای نذر شد استحبابش از بین نمی رود و نباید آن را به نیت الوجوب بخوانید، پس وفای به نذر امر و عنوان و صلاة اللیل عنوان آخر.

اشکال دوم این است که حالا در ذهنم می آید که یک وقتی هم قبلاً حالا در فقه یا در اصول این مسئله را مطرح کردیم که اگر نماز شب متعلق برای نذر شد استحبابش از بین نمی رود و شما وقتی بخواهید نماز شب هم بخوانید نباید به نیت الوجوب بخوانید بلکه باید به همان نیت استحباب باید بخوانید. بله وفای به نذر واجب است. وفای به نذر امر و عنوان و صلاة اللیل عنوان دیگری است.

این که مشهور آمدند گفتند نماز شب با نذر واجب می شود؛ نه چنین نیست. یعنی نماز شب به استحباب خودش باقی می ماند. نمی شود بگوییم که آقا بعد از این که شما نذر کردید نماز شب الآن واجب است. نه چنین نیست یعنی وفای به نذر واجب است. اگر شما این کار را انجام ندادید نمی آیند عقوبت ترک بر نماز شب را بر شما مترتب کنند بلکه می آیند می گویند وفای به نذر خودش عقوبتش چیست؟ و اثرش مخالفتش چیست؟ و همان آثارش بر آن بار می شود. لذا این که هم طبق کلام مرحوم نایینی و هم طبق کلام مرحوم عراقی باید نماز شب را به قید الوجوب انجام داد این هم وجهی ندارد؛

نظر مشهور این است امام و مرحوم والد ما همین نظری است که ما الان عرض کردیم اینها می فرمایند اینکه آنچه که هست وفای به نذر، واجب است. اما وفای به نذر و شما چه چیزی را نذر کردید در اینجا نماز شب مستحبی را نذر کردید. خوب الآن اگر نماز شب واجب بود که بحثی نبود ولی شما الآن باید نماز شب مستحبی را بخوانید و به نیت استحباب هم باید بخوانید.

مطلب دوم محقق عراقی (ره) در توضیح کلام نائینی: امر به احتیاط در جایی است که احتمال بدهید یک امری به فعل تعلق پیدا کرده است.

مطلب دومی که مرحوم عراقی دارند در صفحه 406 این مطلب را دارند.

در اینجا نایینی برای این که بیان کنند امر احتیاط یعنی «اخوک دینک فاحتط لدینک» مانند آن امر اجاره است و فرمود امر به احتیاط متعلقش ذات فعل است به قید این که محتمل الوجوب باشد. شما کجا احتیاط می کنید؟ آن جایی که فعل، احتمال وجوبش را بدهید. در حالی که همین فعلی که احتمال وجوبش را می دهیم اگر امری در واقع داشته باشد به ذات عمل تعلق پیدا کرده.

مرحوم عراقی اول می فرمایند:

به نظر ما باید مطلب را باید یک مقداری واضح تر بیان کنیم. می فرمایند: «الامر الواقعی العبادی انما تعلق بالذات فی الرتبة السابقة عن احتمال وجوبها». امر عبادی واقعی قبل از این که ما احتمال وجوب بدهیم اگر در واقع باشد تعلق پیدا کرده؛ اما امر احتیاط «تعلق فی الرتبة المتأخره عن احتمال الامر بالذات» امر به احتیاط کجاست؟ آن جایی که شما یک احتمالی بدهید یک امری به این فعل تعلق پیدا کرده و احتمالی بدهید در واقع، امری به این ذات تعلق پیدا کرده؛ خوب شارع می گوید حالا این که این شبهه وجوبیه است و احتمال امر می دهید احتیاط کن.

دو اشکال محقق عراقی بر کلام نائینی: 1. اگر طولیت را مانع از اکتساب می دانید باید در نذر و اجاره هم بگویید و اگر طولیت را مانع نمی دانید در امر احتیاطی هم باید بگویید 2. اگر بگوییم امر احتیاطی عبادی نیست که وجهی ندارد.

بعد از این که این توضیح را برای کلام مرحوم نایینی ذکر می کند، اشکالی که در اینجا می کند این است که می فرماید:

– اشکال اول: شمای نایینی طولیت را مضر به اکتساب نمی داند و طولیت را مضر به وحدت و تاکد نمی داند و شمای نایینی می فرماید: در آن جایی که امر احتیاط با آن واقع مطابقت بکند قبلاً داشتیم این عبارت مرحوم نایینی را که نایینی فرمود آنجایی که شما آمدید احتیاط کردید این فعل را آوردید و معلوم شد در واقع هم واجب است؛ در اینجا شما می گوید این امر احتیاطی موکد آن امر واقعی است در حالی که در طول آن امر واقعی است!!! و امر احتیاطی در جایی است که در رتبه متأخره است از امر واقعی و می فرمایند: چرا در ما نحن فیه قائل به اکتساب نمی شوید و در نحن ما فیه هم بگوئید که: امر احتیاطی در طول امر واقعی است ولو در طول امر واقعی است عبادیت را از آن امر واقعی اکتساب بکند. این اشکال اول. پس اشکال اول این شد اگر شما طولیت را مانع از اکتساب می دانید هم در نذر و هم در اجاره باید بگوئید. اگر طولیت را مانع نمی دانید در امر احتیاطی هم بگوئید یعنی بگوئید در امر احتیاطی، امر احتیاطی اکتساب عبادیت می کند از آن امر واقعی.

– اشکال دوم می فرماید ما از شما سؤال می کنیم. بحث را می بریم آنجایی که این امر احتیاطی با آن واقع مخالف در آمد. یعنی اصلاً در واقع وجوبی نیست حالا ما آمدیم و احتیاط کردیم در اینجا می فرماید ما اگر بخواهیم بگوئیم این امر احتیاطی عبادی نیست «لا نری له وجهاً». وجهی ندارد. چون عبادیت یعنی یک امری برای ما داعی بشود و موجب تقرب بشود و در اینجا امر احتیاط این خصوصیت و این ویژگی را دارد.

محقق عراقی: اگر قصد وجه و تمیز را لازم بدانیم هیچ راهی نداریم جز این که بگوئیم امر احتیاط، عبادی است.

بعد از این دو اشکال می کند می فرمایند که:

– ما اگر قصد وجه – قصد وجه یعنی بگوئیم که به نیت الوجوب یا به نیت الاستحباب بخواهیم انجام بدهیم – و تمیز را به این امر واجب و الاستحباب لازم بدانیم هیچ راهی نداریم جز این که امر احتیاط را بگوئیم عبادی است. برای این که آن امر واقعی که برای ما مشخص نیست که آیا هست یا نه ما هستیم و یک امر احتیاطی؛ اگر گفتیم در تحصیل غرض، قصد وجه و تمیز معتبر است اینجا غیر از این که ما بیاییم از راه امر به احتیاط این غرض را تحصیل کنیم راه دیگری ندارد و این عبادیت را هم به احتیاط درست می شود.

– بله اگر کسی قصد وجه و تمیز را معتبر نداند اینجا نیازی به امر احتیاط نیست

محقق عراقی: مجرد وحدت مقتضای اکتساب نیست

و باز آخرین مطلبی که مرحوم عراقی دارند می فرمایند که:

مجرد وحدت لایقتضی الاکتساب آن جایی که دو تا متعلق واحد است و بین این دو تا، تاکد هست این اقتضای اکتساب ندارد «لانه مثل هذا الامر ينحل الى قطعتين احدهما عبادي والآخره غير عبادي و مجرد اتصالهما لا يقتضي الاکتساب». یعنی تقریباً یک مقدار نزدیک به آن اشکال قبلی که ما کردیم که وحدت، اقتضای اکتساب نمی کند این را خود مرحوم عراقی در آخر این مطلب حاشیه صفحه 406 بیان کرده اند.

نظر مختار: اشکال محقق عراقی بر محقق نائینی وارد است و کلام نائینی نادرست است؛ پس امر به نذر و اجاره هر دو نسبت به آن امر واقعی، طولی هستند و اگر دو امر در عرض یکدیگر باشند اقتضای اکتساب نمی کنند.

پس ببینید این اشکال مرحوم عراقی به مرحوم نائینی وارد است. یعنی باید به نائینی گفت بالاخره یک بام و دو هوا نمی شود. امر به نذر و امر به اجاره هر دو طولی هستند. یعنی اول قبل از اینها یک فعلی امر به آن تعلق پیدا کرده؛ حالا یا به نحو وجوبی یا به نحو استحبابی بعد امر به اجاره می آید و بعد امر به وفای به نذر می آید و امر به نذر و امر به اجاره هر دو نسبت به آن امر واقعی طولی هستند.

– اگر طولیت با وحدت و تاکد منافات ندارد در هر دو جا باید اکتساب باشد

– اگر منافات دارد در هیچ کجا نباید اکتساب باشد.

و ما هم اضافه کردیم و مرحوم عراقی در آخر مطلبش هم دارد. اصلاً اگر در عرض یکدیگر هم باشند – حالا به این کلمه هم تصریح نکرده و می فرمایند اگر واحد هم باشد. تاکد در آن باشد اقتضای اکتساب نمی کند و ما صریح تر می گوییم اگر دو امر در عرض یکدیگر باشند اقتضای اکتساب نمی کنند.

لذا این مطلبی که مرحوم نائینی فرمود «احد الامرین» از دیگری عبادیت را به دست می آورد و دیگری وجوب را به دست می آورد این حرفی است که هیچ اساسی ما برایش نتوانستیم ترسیم کنیم و این مطلب درست نیست.

حالا فردا ان شا الله تهذیب الاصول امام ج 3 ص 150 و بعد هم کلام مرحوم خویی را در مصباح الاصول را در این بحث دنبال می کنیم

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ